



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۰

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۱۰	موضوع :	فلسفه
تاریخ :	۹۰/۳/۲۳	ساعت :	۱۶

نام کتاب: نهاية الحکمة، از اول المرحلة الثامنة تا پایان کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. مراد از «علل وجود» چیست؟ د ۱۵۸

- ا. علت مادی و صوری
ب. علت فاعلی و صوری
ج. علت مادی و غایی
د. علت فاعلی و غایی ■

۲. به نظر مصنف، در شیء بسیط الف ۱۷۸

- ا. اگر قبول به معنی انفعال باشد اجتماع فاعل و قابل ممکن نیست ■
ب. حتی اگر قبول به معنی اتصاف باشد اجتماع فاعل و قابل ممکن نیست
ج. اجتماع قبول مطلقاً با فاعل ممکن است
د. حتی اگر قبول به معنای انفعال باشد اجتماع فاعل و قابل ممکن است

۳. شیخ اشراق کدام قسم از اقسام تقدم و تأخر را در کدام قسم دیگر مندرج کرده است؟ ج ۲۲۷

- ا. تقدم و تأخر بالطبع مندرج در تقدم و تأخر بالزمان
ب. تقدم و تأخر بالعلیة مندرج در تقدم و تأخر بالطبع
ج. تقدم و تأخر بالزمان مندرج در تقدم و تأخر بالطبع ■
د. تقدم و تأخر بالطبع مندرج در تقدم و تأخر بالعلیة

۴. عبارت «العلم بذی السبب لا یحصل الا من طریق العلم بسببه» درباره چیست؟ ا ۲۶۱

- ا. توقف علم به معلول بر علم به علت. ■
ب. اتحاد عالم و معلوم.
ج. تلازم معلوم بالذات با معلوم بالعرض.
د. توقف علم به علت بر علم به معلول.

تشریحی:

۱. عبارت «عدم العلة علة لعدم المعلول» به چه معنی است؟ موضع این حکم، علت تامه است یا علت ناقصه یا هر دو؟ ۱۵۸

یعنی با نبودن علت، معلول هم موجود نمی شود بلکه معدوم است. خواه آن علت تامه باشد یا ناقصه.

۲. عبارت: «من رام قصر العلل فی العلة المادية فقد رام اثبات فعل لا فاعل له» درباره نفی و اثبات کدام یک از علل اربعه است؟ ملازمه بین

مقدم و تالی را در عبارت تبیین کنید. ۱۷۱

علت فاعلی - از آنجا که ممکنات اعم از مادی و مجرد، در وجود محتاج به علتی است که وجودش را بر عدم ترجیح دهد و ممکن فقط شأنیت قبول دارد و فاعل شأنیت اعطاء پس اگر کسی علل را در علت مادی منحصر کند در واقع فعل بدون فاعل را تجویز کرده است و آن هم محال است.

۳. با توجه به تعریف معلم اول برای حرکت، (إنّها کمال أول لما بالقوة من حیث إنه بالقوة): ۲۰۱

ا. مراد از کمال اول و کمال ثانی چیست؟

حرکت، کمال اول و رسیدن به غایت و مقصد، کمال ثانی است.

ب. قید «من حیث انه بالقوه» برای چیست؟

بنا بر توضیح بالا حرکت در صورتی برای متحرک کمال است که نسبت به کمال دوم بالقوه باشد و گرنه وقتی که متحرک به مقصد برسد و کمال دوم برای او بالفعل شود دیگر حرکت برای آن کمالی نیست.

* حجة أخرى: الأعراض من مراتب وجود الجواهر؛ لما تقدم أنّ وجودها في نفسها عين وجودها لموضوعاتها، فتغيرها وتجددها لا يتم إلا مع تغير موضوعاتها الجوهرية وتجددها، فالحركات العرضية دليل حركة الجواهر. ٢٠٨

٤. مقدمات دلیل مذکور را توضیح دهید.

اعراض وجود لغیره دارند یعنی حقیقتشان در غیر خودشان تحقق پیدا می کند.

هرچه که وجود لغیره دارد وجودش تابع وجود آن غیر می باشد.

چیزی که وجوداً تابع غیر خودش است در اوصاف و تحولات نیز تابع آن غیر خواهد بود.

٥. کدام یک از اقسام تقدم و تأخر از مخترعات میرداماد است؟ انواع سه گانه تقدم و تأخر بالذات را بنویسید. ٢٢٤

بالذات - ١. بالطبع. ٢. بالعلیه. ٣. تقدم بالتجهر.

* الصورة العلمية بما أنّها معلومة، فعلية لا قوة فيها لشيء البتة ولو كانت الصورة العلمية مادية، لم تأب التغير.

٦. أ. عبارت فوق، در پی اثبات چه چیزی است؟ ب. این استدلال را شرح دهید. ٢٣٧

أ. برای اثبات مجرد بودن تمامی اقسام علم. ب. صورت علمی از آن جهت که معلوم است فعلیت محض است که هیچ قوه ای در آن نیست، بنا بر این اگر هرگونه تغییری در آن فرض شود، صورت جدید است که مابین با آن صورت علمی سابق است، و اگر صورت علمی بود ابائی از تغییر نداشت.

٧. به نظر مصنف آیا علم حضوری فقط شامل علم شخص به خودش می شود؟ توضیح دهید. ٢٦٠

(مشائین قائلند که علم حضوری فقط اختصاص به علم شیء به خودش دارد) خیر، اشراقیون و مصنف قائلند که علاوه بر آن شامل علم علت به معلولش و علم معلول به علتش هم می شود زیرا وجود معلول نسبت به وجود علتش، وجود رابط و غیر مستقل است پس معلول به تمام وجودش در نزد علتش حاضر است. و همچنین وجود علت در نزد معلول حاضر است چون معلول قائم به علتش می باشد پس در این دو مورد هم علم حضوری است.

٨. برهانی را که طبعیون از طریق «حرکت و تغیر» برای اثبات وجود واجب تعالی اقامه کرده اند، بنویسید. ٢٧١

محرک غیر از متحرک است و هر متحرکی، محرکی غیر خودش دارد حال اگر آن محرک هم متحرک باشد پس او هم محرکی غیر خودش دارد و حتماً این سلسله باید منتهی شود به محرکی که متحرک نباشد و گرنه دور یا تسلسل لازم می آید، حال آن محرک غیر متحرک چون عاری از قوه است و منزله از تغیر و تبدیل می باشد یا واجب الوجود بالذات است یا این که در سلسله علل منتهی به واجب الوجود بالذات می شود.

* الصفات الفعلية صادقة عليه تعالى صدقاً حقيقياً لكن لا من حيث خصوصيات حدوثها وتأخرها عن الذات المتعالية حتى يلزم التغير فيه، بل من حيث ان لها

أصلاً في الذات ينبعث عنه كل كمال وخير. ٢٨٨

٩. عبارت فوق را شرح دهید.

صفات فعلیه، متأخر از ذات واجب تعالی و زائد بر آن است و از مقام فعل انتزاع می شود و اما صدق آنها بر واجب تعالی صدق حقیقی است البته نه از حیث خصوصیات حدوث و تأخر آنها از ذات تا این که مستلزم تغیر در واجب تعالی باشد بلکه از این حیث که این صفات ریشه ای در ذات دارند که از آن هر کمال و خیری منبعث می شود.